فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۳۲۰ – ۲۹۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۱۲

چالش‌های تهدید: راهبرد معکوس سازی تهدیدات توسط عربستان در خاورمیانه

رضا التیامی نیا[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)
مجتبی شریعتی[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۹**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

منبع بزرگ تنش در نظریه رویکرد خاورمیانه ای به امنیت، قیامهای عربی از سال ۲۰۱۰ می باشد.مسئله مهم کشورهای منطقه، امنیت می باشد. با توجه به این مسئله، نویسنده پرسش‌ها و فرضیه‌های ذیل را مطرح کرده است: راهبردهای عربستان و متحدانش برای تضعیف ایران و محور مقاومت در طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۱ چه بوده است و چه چالشهای امنیتی برای منطقه و جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت. فرض پژوهش حاضر این است امنیت برخی از کشورهای منطقه منجمله عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، متکی بر ناامنی در دیگر کشورهای منطقه به ضرر مردم منطقه است. کشورهای عرب خلیج فارس از روایت‌های هلال شیعه خصوصا بعد از سال ۲۰۰۳ و مشروعیت پادشاهی یا سلطنت برای بازتعریف جغرافیای سیاسی امنیت و ناامنی بهره برداری کردند و قدرت چالشگران منطقه ای را تضعیف یا خنثی می‌کنند. یافته های پژوهش نشان می‌دهد از زمان شروع قیامهای عربی، سیاستگذاران سعودی، آمریکا را مورد انتقاد قرار داده اند چرا در رهبریِ ثبات منطقه ای ناکام ماند و اینکه آمریکا کنار دوستان منطقه ای خود نایستاد و ثبات را در منطقه محقق نکرد. این رویکرد نگاه از بالا به پایین به امنیت منطقه‌ای دارد. به دغدغه های امنیتی برخی دولتها و رژیمهای منطقه و نه دغدغه های امنیتی مردم منطقه متمرکز است.تنشها بین این دو بازیگر مهم این رویکرد یعنی آمریکا و عربستان، و آنچه که آنها درباره این تنشها تصمیم می گیرند چشم انداز امنیتی خاورمیانه را در آینده قابل پیش بینی شکل می دهد. روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی از نوع کیفی می باشد.

واژه‌های کلیدی: امنیت، تهدید،راهبرد معکوس سازی، ائتلاف، عربستان سعودی

1. eltyam81@yahoo.com
2. m.shariati@yu.ac.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

مقدمه و بیان مسئله

عربستان سعودی از بعد اقتصادی شدیداً وابسته به نفت است. این کشور از بزرگ ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت دنیا است. صادرات نفت خام تقریباً ۹۵ ـ ۹۰ درصد درآمدهای صادراتی و ۸۰ ـ ۷۰ درصد درآمد دولت عربستان سعودی را تشکیل می دهد. علی رغم این درآمدهای سرشار نفتی، عربستان با چالش های جدی اقتصادی روبه رو است. نرخ بالای بیکاری (نزدیک ۱۳ درصد از اتباع این کشور)، رشد بالای جمعیت و نیاز شدید به افزایش مخارج دولت از جمله این مشکلات به حساب می آید. (Lehr Wagner, 2008, 18).از بعد اجتماعی و فرهنگی باید به این مسئله اشاره کرد که جامعه عربستان همچنان بر پایه روابط قبیله ای استوار است. در این کشور وجود تعصب و علقه های نیرومند قبیله ای به علاوه علایق مذهبی، شکل دهنده کلی فرهنگ جامعه می باشد. این ساختار جامعه عربستان، مانع از به وجود آمدن فرهنگ یگانه شده است. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۳۷). غرب آسیا و شمال آفریقا از نقطه های ژئوپلیتیک و برخوردار از منابع عظیم انرژی،حائز اهمیت راهبردی و ژئواستراتژیک فوق العاده مهم و منحصربه فرد در جهان است (رجبی، ۱۳۹۷: ۲). شواهد نشان می دهد آمریکا و متحدان منطقه ای آن از گروه های توریستی نظیر القاعده و داعش به عنوان راهبرد امنیتی خود برای مهار و کنترل قدرت چالشگر ایران و محور مقاومت در منطقه استفاده کرد. جهان هرگز چیزی شبیه داعش را به خود ندیده است. این گروه در کجای جهان به وجود آمدند و اهل کجا هستند؟ بسیاری از متفکران و تحلیل گران می گویند در صورتی که آمریکا رژیم صدام حسین را در جنگ بوش علیه ترور سرنگون نمی کرد این ارتش منحصر به فرد تروریستی به وجود نمی آمد. سیاسیونی نظیر دونالد ترامپ و رندپائول[1] می‌گویند که عراق، لیبی و سوریه تحت کنترل و حاکمیت صدام، قذافی و اسد وضعیت بهتری نسبت به آنچه الان دارند داشتند؛ و بهتر بود وضع قبلی حفظ می شد.آمریکایی ها به زعم خود جنگ علیه عراق را برای امن تر ساختن جهان جهت ایجاد دموکراسی، حذف دیکتاتورهای خطرناک و جلوگیری از تکثیر سلاح های کشتار جمعی آغاز کردند نه برای ایجاد طاعون جنگ و غرق ساختن خاورمیانه در چنگال تروریست های درنده و وحشی؛ آن هم تروریست هایی که عزم درهم کوبیدن و متلاشی ساختن تمدن جدید را دارند(Leonard ,2016: 9).

1. Rand Paul

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

اغلب مطالعات درباره خاورمیانه غالبا بر مطالعه تداوم منازعه و بی ثباتی متمرکز است. منطقه خاورمیانه درگیر مسابقه جنگی بین ابرقدرتها در طول جنگ سرد قرار گرفته و این مداخلات نظامی منجر به سلطه رویکردهای سنتی به امنیت و قدرت در منطقه شده است. رویدادهای سیاسی منطقه ای و جهانی نظیر حملات یازده سپتامبر، مناقشه مستمر غرب بر سر صنعت هسته ای ایران، امواج شوکه کننده سیاسی برآمده از بیداری اسلامی یا بهار عربی،رویکردها درباره منطقه خاورمیانه و امنیت را تقویت کرد. موفقیت بی سابقه داعش در عراق در ژوئن ۲۰۱۴ چالشهای امنیتی مستمر پیش روی مردم خاورمیانه و نقشی که روایتهای هویت و پندارهای تهدید می تواند ایفا کند را مورد تاکید قرار داد.اما مطالعه صرف منازعه خشن به تنهایی، پیچیدگی هایی که در بی ثباتی و ناامنی نقش دارند را نشان نمی دهد بلکه همچنین احساس استثناگرایی را تقویت می کند که بر منطقه خاورمیانه به مثابه منبع تهدید برای امنیت بین المللی مستولی شده است.این مسئله، پندارهایی که از درون خودمنطقه پدیدار می شوند را دچار ابهام نموده و منجر به عدم تناسب و تطابق اولویتهای امنیتی و تضاد انتظارات می شود. این مسئله نشان می دهد که نیاز به فهم پیامدها و آثار امنیتی قیامهای عربی و گذار متعاقب آن برای ثبات و امنیت خاورمیانه و توسعه رویکردهای نو در مطالعه و فهم امنیت منطقه ای ضروری می باشد (Monier,2015:4).

با توجه به عوامل فوق، دغدغه مهم پژوهش حاضر، مطالعه پیامدها و آثار اختلافات شیعه و سنی، مطالعه امنیت و چالشهای امنیتی در چارچوب منطقه ای و تاثیرقیامهای عربی بر پندارهای ناامنی و ساخت اولویتهای امنیتی است که از سال ۲۰۱۰ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پدیدار شده است.مسئله پژوهش حاضر این است تداوم ناامنی ها و رویکردهای مداخله جویانه امریکا و عربستان، تشدید عملیات تروریستی و تجزیه طلبانه در منطقه با حمایت غرب و ناتو، صلح و ثبات جهانی و منافع منطقه ای و بلند مدت جمهوی اسلامی ایران و همسایگان و متحدان منطقه ای آن را به شدت تهدید می کند و در صورت عدم مقابله جدی با تهدیدات، چالشهای امنیتی موجود در منطقه و مرزهای جمهوری اسلامی ایران تشدید می شود. لذا پرداختن به این مسئله مهم و یافتن راه حل های فوری و موثر برای مقابله با این تهدیدات برای تامین صلح و امنیت منطقه ای و جهانی و تامین امنیت و منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران بسیار ضروری است. در این نوشتار به روش توصیفی- تحلیلی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

در چارچوب رویکردهای چهارگانه به امنیت منطقه ای، یعنی رویکردهای خاورمیانه ای، مدیترانه ای، عربی و جهان اسلام به مطالعه امنیت و چالشهای امنیتی می پردازد که از سال ۲۰۰۳ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پدیدار شده است و در پی پاسخ به این سوالات است که راهبردهای عربستان و متحدانش برای تضعیف ایران و محور مقاومت در طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۱ چه بوده است و چه چالشهای امنیتی برای منطقه و جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت.

۱- پیشینه تحقیق

در میان آثار منتشرشده به زبان فارسی می‌توان به مقاله «برآورد مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه، هم‌گرایی بیش‌تر یا گسست» اشاره کرد. نویسندگان در این پژوهش در صدد هستند به بررسی اقدامات ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۱ برای فروپاشی محور مقاومت ایران – سوریه – حزب‌الله- حماس از یک سو و ناکامی‌های ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن بپردازند(Izadi, & Akbari, 2010, P.27-59) . رجب‌پور، مهدی (۱۳۹۲)، «تقابل آمریکا نسبت به جنبش مردمی بحرین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.رجب‌پور معتقد است که پس از بیداری اسلامی باعث شد کشورهای حوزه خلج فارس به لحاظ دفاعی بیشتر به آمریکا نزدیک شوند. در واقع یکی از پیامدهای مهم بیداری اسلامی در استراتژی نظامی آمریکا دگرگونی رابطه دفاعی واشنگتن با کشورهای عربی خلیج فارس، کشورهای شرق مدیترانه، شمال و شاخ آفریقا بود. رجب‌پور در این رساله سعی کرده تا به این مساله اساسی جواب دهد که چرا آمریکا از سرکوب مردم مسلمان بحرین توسط رژیم آل خلیفه و همچنین دخالت‌های نظامی عربستان حمایت کرده و سیاست سکوت را در پیش گرفته است

همچنین در زمینه موضوع فوق آثار منتشر شده به زبان انگلیسی را را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست؛ علت کنش و واکنش دو اردوگاه اتحاد ایران – سوریه و امریکا و متحدانش را و واکنش‌های اتحاد ایران – سوریه به کنش‌های ائتلاف ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای اش در دهه ۲۰۰۰ را به سیاست‌های تهاجمی امریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به ویژه پس از حمله این کشور به عراق مربوط می‌دانند و راهبرد اتحاد ایران – سوریه و امریکا

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

و متحدانش به ترتیب تدافعی و تهاجمی می‌دانند (Goodarzi, 2013, pp.39-48) . دسته دوم؛ بدون اشاره به کنش تهاجمی غرب در مقابل اتحاد ایران و سوریه، به واکنش امریکا و متحدانش به کنش‌های تهاجمی ایران و سوریه و همچنین به بررسی راهبرد یک طرف یا طرفین می‌پردازند همانند؛ (Gelbart, 2010, pp.39-41; Trombetta, 2007, pp.313-318).

مکنزی تیلور(۲۰۱۲)در اثری به نام رقابت در خاورمیانه بین ایران و عربستان به این یافته اشاره دارد رقابت عربستان و ایران از جمله ویژگی مرکزی چشم انداز امنیت خاورمیانه است و وضعیت مذکور با منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه همخوانی دارد. مخالفت عربستان با ایران به منافع آمریکا در منطقه خدمت می کند. عربستان سعودی یک حکومت ضد انقلابی است ارزشها و اولویتهای این کشور با منافع و ارزشهای آمریکا در حوزه منافع راهبردی همپوشانی دارند.

با بررسی آثار فوق در هیچکدام از آثار فوق به شکل راهبردی به علت کنش و واکنش‌های امریکا و متحدان منطقه‌ای اش و اتحاد ایران – سوریه و تلاقی راهبردهای آنها بطور همزمان نپرداخته‌اند همچنین چالش ها و تهدیدات امنیتی پس از بیداری اسلامی یا قیام های عربی چندان مورد بررسی و مطالعه پژوهش های قبلی قرار نگرفته است و این وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش های قبلی می باشد.. پژوهش حاضر در پی رفع این نقیصه می باشد

۲-مبانی نظری پژوهش

در صورتی که نیروها و بازیگران سیاسی در سطح منطقه فعال شوند و رقابت، اشتراک و تضاد منافع میان آنها به وجود آید، منطقه ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرد(ویسی، ۱۳۹۸: ۲).

برای بررسی کنش و راهبردهای دو اتحاد ایران – سوریه و امریکا و متحدانش، به نظر می‌رسد نظریه موازنه تهدید[1] استفان والت در مقایسه با نظریه موازنه قدرت[2] کنث والتز، از قدرت تبیین بهتری برخوردار باشد. از دید والت، قدرت یکی از مؤلفه‌های تهدید است نه همه آن. او با این توصیف بین قدرت و تهدید تمایز قایل می‌شود. والت همچنین استدلال می‌کند تهدید و نه قدرت، ثقل نگرانی امنیتی کشورها درصحنه نظام بین‌الملل است (Walt, 1987,pp.21-22). وی با آگاهی از کاستی نظریه موازنه قدرت در تحلیل مسائل روابط بین‌الملل ازجمله اتحادها

1. Balance of Threat Theory
2. Balance of Power Theory

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

و اصلاح آن، نظریه خود را به نام موازنه تهدید ارائه می‌کند. وی معتقد است وابستگی های متقابل امنیتی و دغدغه های مشترک امنیتی میان بازیگران منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به نسبت سایر مناطق وجود دارد.بر طبق نظر بوزان، امنیت یک پدیده منطقه ای است.چون امنیت ماهیت ارتباطی و وابسته بودن دارد. لذا نمی توان امنیت منطقه ای کشور خاصی را بدون فهم الگوی بین المللی وابستگی متقابل امنیتی درک نمود. از نظر بازیگران محلی، منطقه خاورمیانه میراث استعماری است و به استفاده انگلیس از واژه خاورمیانه اشاره می کنند و اینکه بریتانیا برای شکل دادن سیاست خارجی خود و ساخت یک «دیگری(خصم) جغرافیایی» این اصطلاح را ارائه داد. لذا منطقه خاورمیانه به مثابه منطقه بدون منطقه گرایی تعریف شده است و این نه تنها به خاطر نفوذ خارجی در منطقه است بلکه به علت تحولات منطقه ای و ضعف دولت ملت یا وجود دولتهای ناکام و ضعیف در منطقه است. نتیجه ضعف منطقه گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا وجود معماری امنیتی پیچیده و غالبا غیرکارآمد می باشد(Amos et al., 2004:128).

ادبیات نظری پژوهش در خصوص مطالعات امنیتی در خاورمیانه غالبا تحت سلطه مطالعات امنیتی رئالیستی سنتی است که تمرکز آنها بر مطالعه جنگ و منازعه است و غالبا هم از زوایه یک ابرقدرت به امنیت نگاه می کنند. پژوهش حاضر با تغییر نگاه، به دنبال بررسی و درک پیچیدگیهای عمیق تر و گسترده تر امنیت و منطقه گرایی در خاورمیانه است چهاردیدگاه یا رویکرد امنیتی درباره امنیت منطقه ای در خاورمیانه وجود دارد. همه این چهار دیدگاه فرضشان این است که تهدیدات، بیرون از منطقه خاورمیانه نشات می گیرند. با این وجود، بسته به تعریف منطقه ای آنها، تعریف آنها از آنچه که «خارجِ تهدیدکننده» خوانده می شود متفاوت است. رویکرد عربی به امنیت خاورمیانه یکی از رویکردهای امنیتی مهم در منطقه است که از مفهوم امنیت ملی عربی نشات گرفته است و پس از جنگ جهانی دوم در واکنش به رویکرد دو ابرقدرت جهانی به امنیت خاورمیانه به وجود آمد. ملی گرایان عرب،اصطلاح خاورمیانه را به مثابه مفهوم و برچسبی بکار بردند که برای محو و تضعیف شخصیت و نقش اعراب در این بخش از جهان و در بدترین حالت چندپاره کردن سرزمین اصلی اعراب به عنوان یک واحد مجزا طراحی شده است.لذا منطق استفاده غرب از اصطلاح خاورمیانه را نگاه می کنند و معتقدند که خاورمیانه مملو از سرزمین های دارای موزاییک قومی است و از

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

این طریق غرب در پی بی اعتبار سازی منطق تشکیل وحدت اعراب است و به عبارت دیگر، غرب با تعریف منطقه خاورمیانه به دنبال نابودی اتحاد اعراب و اندیشه وحدت گرایانه عربی است.اصطلاح جهان عرب از نظر ملی گرایان عربی کلید بهتری برای فهم تعاملات میان اعراب و میان اعراب با همسایگان و نظام بین الملل است(Bilgin, 2012a). دو فرض در ایده امنیت ملی عربی وجود دارد. نخست اینکه، دغدغه ها و منافع منطقه ای کشورهای عربی وقتی در رابطه با یکدیگر دیده شوند بهتر فهم می شود. دوم اینکه، این دغدغه با دغدغه های بازیگران غیر عرب متفاوت است اگر نگوییم متضاد است.در جوامع عربی نیز دو مرجع برای امنیت تعریف می شود. یک رویکرد، مردم محور است و جامعه مدنی عرب(هویت و رفاه) را مرجع امنیت می داند و دیگری هم دولت را مرجع امنیت می داند.بعد از تهاجم صدام حسین به کویت،نگاه دولت محور تضعیف شد چون صدام حسین برای توجیه تهاجم خود از پان عربیسم استفاده کرد و شکافهای موجود در جهان عرب را تقویت کرد.کورانی(۲۰۱۱)معتقد است دغدغه های عربیسم مبنی بر جامعه مدنی قرن بیست و یک در جهان عرب با دغدغه های دهه ۵۰و ۶۰ متفاوت است.در طی این سالها دغدغه فلسطین و وخامت اوضاع آن برای جهان بینی عرب و بسیاری از دولتها و مردم عرب کم رنگ شده و دغدغه های اقتصادی و اجتماعی جایگزین آن شده است.امروزه فعالین جامعه مدنی عربی بر اصلاحات سیاسی، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر تاکید دارند (Bilgin ,2015, 6-7).

دیدگاه یا رویکرد امنیتی خاورمیانه ای، منطقه خاورمیانه را از زاویه منافع امنیتی آمریکا تعریف می کند و بر این مسئله تاکید دارد که تهدیدات در خاورمیانه به علت وجود کسانی است که به دنبال بی ثبات سازی منطقه و نفوذ در خاورمیانه هستند. از نظر دول عربی حاشیه خلیج فارس یا خاورمیانه عربی، غیر عربها، منبع ناامنی ها در منطقه هستند و منطقه را بر این مبنا تعریف می کنند. رویکرد مدیترانه ای به امنیت، منطقه را بر طبق ناامنی هایی که توسط اعضای اتحادیه اروپا تجربه شده است می بیند و از این رو بر ثبات در شمال آفریقا تاکید می کند. رویکرد مدیترانه ای به امنیت با توجه به ارتباط منطقه مدیترانه با اروپا(به لحاظ فیزیکی یعنی مجاورت جغرافیایی و به لحاظ سیاسی از طریق آوارگی و مهاجرت) شکل گرفته است.کپل معتقد است که برای ما، خاورمیانه خاورمیانه نیست. آن خاور نزدیک است. و ما بخشی از مدیترانه هستیم و آنها بخشی از اروپا هستند.این چشم انداز خیلی متفاوتی خلق می‌کند(Kepel, 2004a).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

سیاستهای اتحادیه اروپا بر اساس سه دغدغه شکل گرفته است: امنیت انرژی، ثبات منطقه ای(یعنی حفظ ثبات کشورهایی که به لحاظ جغرافیایی نزدیک آفریقای شمالی هستند و سوم، توقف منازعه اعراب و اسرائیل. اتحادیه اروپا مسائل امنیتی را از این سه زاویه می بیند.اتحادیه اروپا، آفریقای شمالی و اتفاقات آنرا بخش لاینفک امنیت خود تلقی کرده است و به دنبال دستیابی به امنیت برای خود از طریق اصلاحات برای تضمین تکثر سیاسی،حمایت از حقوق بشر و شکوفایی اقتصادی می باشد.(البته اینها سیاستهای اعلامی است و در عمل اهداف دیگری را دنبال می کنند از جمله سلطه بر منطقه و مهار محور مقاومت).در چارچوب سیاست همسایگی اروپایی،اروپا به دنبال صدور مدل امنیت سازی خود به کشورهای همسایه نیست.انها به دنبال تقویت یک هویت کمتر فراگیر و کمتر جامع می باشد. یک دوگانگی بین ما یعنی مایی که باید در برابرکشورهای مدیترانه جنوبی تامین امنیت شود(دربرابر آنها.)این زبان و ادبیات از منظر کشورهای مدیترانه جنوبی، زبان تولید کننده تهدید است.سیاستهای اتحادیه اروپا به نحو فزاینده ای بین خودی و غیرخودی یا داخلی ها(شهروندان اتحادیه اروپا) و بیگانه ها(مهاجران و پناهجویان) نسبت به مدیترانه تمایز قائل است. رویکرد جهان اسلامی به امنیت خاورمیانه که مد نظر گروه های مختلف اسلام گراست می باشد، تهدیدات را از زاویه نفوذ غیر اسلام گرایان در منطقه می بیند. پایان سلطنت پهلوی و تاسیس جمهوری اسلامی ایران از نظر عربستان و دیگر حکومتهای سلطنتی خلیج فارس به مثابه تهدید کننده ثبات منطقه ای قلمداد شد. در طول جنگ ایران و عراق،کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس تحت پرچم واحد شورای همکاری خلیج فارس متحد شدند. دستورالعمل طرفدار ثبات و ضد ملی گرایی عربستان و دستور العمل ضد کمونیستی آمریکا در تاسیس سازمان طالبان و تامین مالی طالبان افغانستان در طول دهه ۱۹۸۰ و حمایت عربستان از بنیادگرایی کاخ نشین خود دال بر اتخاذ این رویکرد امنیتی توسط عربستان سعودی و دیگر گروههای تروریستی در منطقه است. آمریکا و دیگرمتحدان جهانی و منطقه ای آن از اسلام سیاسی عربستان و بنیادگرایی داعش و طالبان به عنوان یک دیوار حفاظتی بر علیه کمونیسم و انقلاب اسلامی ایران و جبهه مقاومت در منطقه استفاده می کند و نیز به عنوان ابزار تاکتیکی برای کنترل نفت اعراب بهره می برد (Bilgin ,2015, 3-5). در پژوهش حاضر چهار رویکرد فوق به امنیت خاورمیانه مورد توجه می باشد. از جوانب گوناگون مسئله امنیت،واکنشها و رهبردهای امنیتی ایران و متحدانش و نیز عربستان و متحدان آن را مورد واکاوی قرار می دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

۳-ماهیت رقابتهای ژئوپلیتیکی در خاورمیانه

از دیرباز امنیت و ترتیبات امنیتی خلیج فارس یکی از دغدغه ها و نگرانیهای کشورهای منطقه و البته قدرتهای فرامنطقه ای باشد. وضعیت ژئواستراتژیک این منطقه به ویژه پس از کشف نفت در کشورهای پیرامون آن، بر اهمیت حفظ و تداوم امنیت در این منطقه افزوده و بازیگران بسیاری را درگیر برقراری و حفظ امنیت آن کرده است(مظاهری،۱۳۹۷ : ۲).

آنچه که ما خاورمیانه عربی می نامیم به لحاظ تاریخی از سه خرده منطقه تشکیل شده است: خلیج فارس، منطقه شامات و سوم، منطقه مغرب است. رویکرد خرده منطقه ای به امنیت تنها بعد از پیدایش شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ احیا گردید. دیگر نهادهای فرو منطقه ای و توافقنامه های اقتصادی نظیر اتحادیه مغرب عربی در سال ۱۹۸۹، توافقنامه تجارت آزاد عرب در سال ۱۹۹۷، و توافقنامه القدیر در سال ۲۰۰۴ نیز بعدها به وجود آمدند.اما هیچ یک از این سازمانها یا توافقنامه ها به جز شورای همکاری خلیج فارس منجر به بازتعریف اساسی جغرافیای کشورهای عربی نشد. این سازمان، همکاری امنیتی بین کشورهای عضو را افزایش داد اما بی اعتمادی و توازن ضعف همچنان عامل مسلط ساختاری باقی ماند و به مشخصه روابط بین دولتهای منطقه تبدیل شد(Korany, 2011 : 43).

سوابقی از مبارزات ژئوپلیتیکی بین عربستان و ایران وجود دارد.مولفه های متعددی برای این محیط جدید وجود دارد و این شرایط منطقه را پیچیده تر و به شدت امنیتی ساخته است. از زمان ریاست جمهوری بوش در سال ۲۰۰۱، آمریکا تلاشهای مهمی انجام داد که نه تنها توازن منطقه ای قدرت تغییر کرد بلکه بستر و زمینه سیاستهای داخلی در جهان عرب را تغییر داد.جنگ آمریکا و انگلیس به عراق در سال ۲۰۰۳، یک حادثه اصلی و نطفه سایر حوادث منطقه بود.نه تنها سرنگونی رژیم بعث باعث حذف عراق به عنوان دولت موازنه بخش علیه ایران شد بلکه این تهاجم سبب تعمیق اختلافات فرقه ای و ایجاد زمینه برای طیفی از جنبش های افراط گرا از جمله داعش شد که ابتدا در عراق تحت اشغال آمریکا به وجود آمد. پروژه به اصطلاح تاسیس دموکراسی در عراق توسط آمریکا در یک بازه زمانی کوتاه، نه تنها دولت مردمی جدید عراق را تقویت کرد بلکه سبب تشدید ترس در تمام دول عربی خاورمیانه شد و آنها بر این گمان هستند که یک حکومت مردمی در عراق حکومتهای پادشاهی موجود را تضعیف می کند همانطور که باسل سالوک می گوید: همسایگان عربی بغداد از این ترس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

دارند که یک عراق باثبات و دموکراتیک به واشنگتن اجازه می دهد تا دستورالعمل اصلاحات منطقه ای خود پس از یازده سپتامبر را با قدرت ادامه دهد در نتیجه،آنها تاکید دارند تلاش های دموکراتیک توسط ایران یا آمریکا برای ثبات در عراق و دموکراتیزه کردن عراق درهای ورود جنگجویان جهادی سلفی به عراق را باز می کند (Salloukh, 2013 : 34).

۴-پندار تهدید و چالشهای داخلی

ذهن هیئت حاکمه سعودی مملو از این نوع پندار و تهدید است که ایران تلاش می کند بر منطقه خاورمیانه مسلط شود. دقیقا همانطور که رهبران آمریکا در عصر جنگ سرد، ذهن و راهبردهای خود را بر تهدید شوروی متمرکز کردند عربستان سعودی هم علاقه شدیدی برای خوانش این رویدادها از منظر فرقه ای دارد و آنها را نشات گرفته از ایران و هلال شیعه می داند. این نوع نگاه و واکنش ها بعد از سرگونی رژیم تحت سلطه سنی ها در عراق اوج گرفت. حقیقت این است که ایران ذی نفع ژئوپلیتیکی مهم این رویداد بود.این حادثه،شاخصی از تحقیر عربستان بود.یازده سال پس از سرنگونی دولت بعثیسم در عراق، عربستان سعودی هنوز فاقد سفیر دائم در عراق بود.منطق و تاثیر مداخلات عربستان در بحرین، مصر،لبنان و سوریه نشان می دهد که حکومت سعودی اهداف گیج کننده با سیاستهای ضعیف دارد. اقدامات عربستان نشان می دهد که به دنبال تضعیف وضع موجود است.به جای نشان دادن بیزاری و نفرت از بی ثباتی،عربستان سعودی با رادیکالیزه سازی مردم شیعه عرب اقلیت در خلیج فارس و حمایت از نیروهای نیابتی در نبرد مسلحانه به تغذیه بی ثباتی می پردازد. الرشید به نقل از وزیر کشورعربستان سعودی می گوید: بی پرده بگویم شاهزاده سعودی در از بین بردن ترور موفق نبوده است بلکه تروریسم و ناامنی را به کشورهای یمن،عراق و سوریه و لبنان منتقل کرده است یا به سمت این کشورها هل داده است (Al-Rasheed,2014).

چالشهای امنیتی آشکاری در کشورهای همسایه عربستان وجود دارد از جمله این چالشها عبارتند از تداوم منازعه در یمن، تداوم اعتراضات در بحرین و ناکامی دولت عراق برای تعمیق و گشترش مشروعیت خود . اما عربستان سعودی تماشاگر منفعل و بی گناه در این چالشها و ناامنی ها نیست.دولت سعودی ظاهرا برای رهایی از فشار افکار عمومی و بین المللی،تلاش نموده تا فعالیتهایی را تحریم و ممنوع نماید که توسط ایدئولوژی خود تجویز

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

می شود. این ایدئولوژی مبنای دولت سعودی را شکل می دهد و به حکومت مشروعیت می بخشد.تا سال ۲۰۱۳ عضویت در گروههایی مانند جبهه النصره و داعش جرم محسوب نمی شد و بعد از این تاریخ عربستان ظاهرا اعلام کرد مجازات حبس طولانی برای ملیتهای سعودی که به این گروهها می پیوندند درنظر گرفت.تلاشهای عربستان برای ساماندهی حمایتهای مادی اش در سوریه منجمله تاسیس شبه نظامیان اسلام گرای سلفی به ویژه جیش الاسلام نتایج ناچیزی داشته است. ساختارهای فرماندهی ضعیف،قابلیت تعویض وفاداری و عضویت،تکثیر توافقهای جنبی بین گروه های نظامی تکفیری نشان از محدودیت نفوذ عربستان در صحنه میدانی دارد. سیستم تک کاره و فاقد عمومیتِ پخش اسلحه توسط سعودیها،قطر،ترکیه و آمریکا در نظم متلاشی شده منازعه اپوزیسیون نقش دارد. فرق گذاری بین گروههای تروریست و غیر تروریست مسئله ساز است چون جیش الاسلام تحت رهبری سعودیها در حملات مرگبار بر علیه غیرنظامیان در سوریه با جبهه النصره همدست شده است و نمی توان گفت تروریست نیست.عربستان سعی می کند از طریق تقویت ارتش لبنان و خلع سلاح حزب الله و تقویت سلفی گرایی نظامی در دومین شهر بزرگ لبنان یعنی تریپولی ، بر حوادث لبنان نفوذ و اثرگذاری داشته باشد.تریپولی و محافظه در شمال لبنان دیگِ خصومت ضد شیع است.تریپولی مرکز مهم جذب نیرو برای نبرد علیه حکومت سوریه است. عربستان نشان داده است کاملا تمایل به ایفای نقش خود در آشوب دارد. واکنش عصبی به مطالبات مردم برای اصلاحات سیاسی در داخل با ادعای این کشور مبنی بر ایجاد اصلاحات سیاسی در کشورهای دیگر متناقض است(Richard Norton 2015:141-144,). گریگوری گاس می گوید رژیمهایی نیستند که با اولین گلوله تفنگ از پای درآیند.شبکه بزرگی از خانواده های نسبی و سببی در عربستان، کنترل خانوادگی بر طیف گسترده ای از سطوح قدرت را تضمین کرده و نیز کیسه های فراوان پول به منظور خرید نارضایتی ها را برای خانوداه های حاکم فراهم ساخته است.مادامی که به طور مساوی مطالبات سعودیهای ناراضی به یکسان بیان نشود،علاقه کمی برای تغییر رژیم حتی میان جوانان سعودی وجود دارد .(Gause, 2013)

اهم راهبردهای عربستان برای مهار ایران و تضعیف محور مقاومت در منطقه خاورمیانه عبارتند از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

۱- راهبرد ترویج فرقه گرایی

این مسئله هنوز راهبر و پیش ران مهم منطقه گرایی آنها بوده است و به طو همزمان بیانگر یک متغیر داخلی و خارجی می باشد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به رغم اینکه از کشورهای کوچکی تشکیل شده اند که دارای توازن و ظرفیت محدود نظامی بوده و فاقد پایگاه های قوی مشروعیت قدرت هستند از اهمیت راهبردی غیرقابل مقایسه ای در نظام اقتصادی جهان برخورداند. این شرایط دو مزیت استثنایی برای کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس فراهم ساخته است.نخست اینکه کشورهای عضو را از بر عهده گرفتن امنیت خودشان معاف ساخته است و از این رو ائتلاف بین بازیگران بین المللی و رژیمهای محلی با هدف ایجاد امنیت برای منطقه خلیج فارس و به ویژه کشورهای عرب خاشیه خلیج فارس،باعث پیدایش چترامنیتی بین المللی برای کشورهای سلطنتی عرب حاشیه خلیج فارس شده است. مزیت دوم این است که به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس اجازه داده است تا بخشی از درآمدهای نفتی فراوان خود را به کمک خارجی تبدیل کنند و آنرا به عنوان یک ابزار عالی و اصلی سیاست خارجی خود در مناطق و فضای بین عربی استفاده کنند. رانتهای نفتی هدایت شده برای تامین بودجه سیاستهای منطقه ای دو کارکرد مهم دارد:

همکاری با چالشگران بالقوه یا خنثی سازی قدرت دشمنانی که درمقابل همکاری مقاومت می کنند (از طریق کمکهای بلاعوض رسمی، وامها و سرمایه گذاریهای شکلی و رسمی).

دوم،تقویت‌اتوریته‌فراملی‌مساجد،مکانهای‌خیریه،شبه‌نظامیان،گروههای‌سلفی،روحانیون‌سلفی‌و خانواده های‌بانفوذ سنی در کل منطقه از طریق کمکهای مالی رسمی و غیررسمی (Calculli, 2015 : ۴).

رسانه های تحت کنترل عربستان و نیروهای تحت حمایت مالی این دولت، برای انحراف بیداری اسلامی به تشویق خصومت فرقه ای خصوصا علیه مسلمانان شیعه پرداختند. رسانه های عربستان منجمله الشرق الوسط و العربیه، کانالهای خبری ماهواره ای مجموعه ای از تفسیر ضد شیعه و ضد ایران منتشر نمودند. سالوک، این محتوا را چنین توصیف میکند:استفاده ریاض از فرقه گرایی به عنوان ابزارسیاست منطقه ای بیش از دوره بیداری اسلامی استفاده شده است. عربستان شکافها و اختلافات شیعه و سنی را دستکاری کرد و حساسیتهای خود و دیگر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در حمایت از متحدان منطقه ای خود و منزوی کردن ایران و متحدان آن در جهان عرب را افزایش داد .(Salloukh, 2013:41)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

تنشها و خصومتهای فرقه ای دلایل و توضیحات متعددی دارد. شکافها و اختلافات مذهبی و اجتماعی، پیامدهای ثانویه تنشها و مخاصمات ژئوپلیتیکی و ناامنی در قدرت سیاسی نخبگان سیاسی منطقه و فرسایش بنیادهای مشروعیت حکومتهای عربی منطقه از جمله این دلایل است. گریگوری گاس اشاره می کند این ضعف حکومت است که بیش از فرقه گرایی یا ظهور ایدئولوژیهای اسلام گرا سبب ایجاد مناطق نبرد جنگ سرد در خاورمیانه شده است. مسئله،توازن قدرت بین رقبای منطقه ای است و فرقه گرایی یک سلاح است (Gause, 2014: 4, 8).با توجه به ضعف مشروعیت یا فقدان مشروعیت اغلب رژیمهای عرب، مطالبات مردم برای تغییر، از جانب این حکومتها،به مثابه تهدیدات موقعیتی برای بقای خود خوانده می شوند. کشورهای منطقه ای متعددی نظیر حکومت بحرین، جوری رفتار می کنند گویا یک دولت فوق العاده ناامن است ، دولتی که سرزمینش در معرض غلبه و فتح کامل قرار گرفته،دولتش در معرض فروپاشی کامل قرار گرفته و جامعه آن به خاطر چندپارگی مذهبی و قومی مورد تهدید واقع شده است.در حالی که اصل مشخص درباره رژیم های عربی apres moi le deluge هست یعنی حتی اجازه دادن یه یک تَرَک کوچک در یک سد می تواند بسیار مخرب و فاجعه بار باشد.از این رو، مواردی از اصلاحات داخلی دوره ای وجود دارد که اغلب در یک کاغذ مناسب بسته بندی شده برای محققان و مخاطبان خارجی ارائه می دهند اما توسط شهروندان کشورهای عربی این بسته های اصلاحات ناچیز و غیرمهم و حتی بی معنی هستند.مادامی که به چالش کشاندن مسالمت آمیز قدرتهای عربی توسط شهروندانشان با تنبیهات شدید و مجازاتهای نامتناسب روبه رو می شود باب خشونت همچنان باز است (Richard Norton 2015,129,).

۲ - راهبرد سلفی گری در جهان اسلام

یکی از غیرانعطاف پذیرترین و ارتجاعی ترین فِرَق اسلامی امروزه وهابیسم (یا به گفته خودشان، سلفیسم) است. فرقه ای رسمی و مسلط در عربستان سعودی. وهابیسم و ال سعود حاکم بر عربستان سعودی از زمان شکل گیری شان به طور پیوسته و به شکلی صمیمانه با هم پیوند خورده اند. وهابیسم، پادشاهی سعودی را به وجود آورد و آل سعود باعث گسترش وهابیسم شد. هیچ یک نمی تواند بدون دیگری به وجود آید و ادامه حیات پیدا کند. وهابیسم به خاندان سعودی مشروعیت داد و آل سعود نیز در عوض، حامی و مروّج وهابیت بوده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

است.بر خلاف اسلام موجود در کشورهای اسلامی، وهابیسم با زنان به عنوان شهروندان درجه سوم رفتار می کند و بر آنها شرایط سختی اعمال می کند. طوریکه حقوق اساسی آنها نادیده گرفته می شود. وهابیسم بسیار خودمحور است و نسبت به ایدئولوژی های پیشرفته، مذاهب و فرق دیگر اسلامی نظیر شیعه، صوفیسم و حتی اهل سنت، اصلاً اهل مدارا و تساهل نیست. وهابیت ظاهرا از ملی گرایی عربی نفرت شدیدی دارد اما با این وجود از ملی گرایی سعودی حمایت و آن را ترویج می کند. وهابیسم خود را تنها راه صحیح و صراط مستقیم همه مسلمانان در اسلام تلقی کرده و هر مسلمانی که با آن مخالف است به عنوان مرتد و کافر تلقی می شود(mohammad sindi 2016 1,).

از قرن هجدهم و مقارن با تاسیس مذهب وهابیت، عربستان سعودی به مرکز و شاخه جدیدی از امپریالیسم مذهبی مبتنی بر جنبشهای فرقه گرا تبدیل شد. اسلام به عنوان یک دین، تهدیدی برای امنیت بین المللی نبوده و نیست. این اسلام سعودی است که تهدید است. سیاستمداران آمریکایی، روزنامه نگاران و ایدئولوگهای آمریکایی این حقیقت را نادیده گرفتند که این تهدید از اسلام سعودی می آید. این کار تاکتیکی برای اجتناب از هرگونه آسیب به روابط خود با آل سعود است و غرب و آمریکا برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا به جای محکوم کردن اسلام سعودی به طور کل اسلام را تهدید معرفی می کنند. در نتیجه، روابط آمریکا–عربستان و سیاست توسعه طلبانه عربستان و وهابیت نه تنها سیاستهای جهان اسلام را دگرگون می کند بلکه سیاستهای کل جهان را تحت تاثیر خود قرار می دهد. در حقیقت این بریتانیا بود که در ابتدا، سعودیها را از ایده ها یا اندیشه های وهابیسم سرشار نمود و از آنها رهبرانی ساخت که در جهت اهداف خود که یکی از آنها تخریب امپراطوری مسلمان عثمانی بود استفاده نمود. وهابیسم خود چیزی جز توسعه و امتداد امپریالیسم غربی نیست.برای بقای حکومت عدالت و انصاف نیاز است و نه دین و الحاد(حکیم جامی) (radwan,2011,1).

ظهورداعش یکی از پیامدهای این راهبرد منطقه ای عربستان و متحدان آن است. به عنوان خلافت خود خوانده نه تنها برای ایران و دولت اسد تهدیداتی را ایجاد کرد بلکه برای قدرتهای سنی که به نظر داعش مرتد و کافر بودند نیز تهدیداتی ایجاد کرد. با توجه به اینکه در مذاکرات هسته ای، ایران، غرب و آمریکا به دنبال گشایش روابط سیاسی بودند لذا داعش

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

همچنان تنها نیروی نظامی توانمند در تولید توازن قدرت منطقه ای به نفع کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس عمل می کند. گروههای نوسلفی و تکفیری همچون جبهه النصره، سپاه صحابه و شاخه نظامی این گروه به نام لشکر جهنگوی و مهمتر از همه گروه داعش که پایه های آن از سوی ابومصعب الزرقاوی بنیان گذاشته شد،شیعیان را دشمن نزدیک خود می دانند با این وجود نابودی همه جانبه گروههای سلفی-تکفیری چندان ممکن به نظر نمی رسد، چون این گروهها با استفاده از ایدئولوژی و گفتمان متصلب خود که دال های آن را مفاهیم اسلامی همچون جهاد، جاهلیت، هجرت،خلافت، امت و... تشکیل میدهند، یک نوع نظام فکری ایجاد کرده اند که با ابزار نظامی از بین نمی رود و می بایست مبارزه فکری و فرهنگی مستمر با این جریانات و حامیان منطقه ای و بین المللی آنها نیز انجام داد. داعش بر تشکیل خلافت و توسعه ارضی و نابودی دشمن نزدیک یعنی شیعیان و ایران تاکید زیادی داشت این در حالی است که القاعده بر فشار به آمریکا برای عقب نشینی از منطقه،رها کردن تعهد خود در دفاع از اسرائیل و در مجموع بر دشمن دور تاکید داشت.

با وقوع بحران در سوریه و سرازیر شدن جهادی ها به این کشور و در ادامه تشکیل خلافت اسلامی توسط داعش در سوریه و عراق، توجهات بین المللی به سمت این منطقه از خاورمیانه متمرکز شد. با از بین رفتن تشکیلات نظامی و سرزمینی گروهی مثل داعش، ایده دولت سازی در میان تکفیری ها از بین نخواهدرفت و با توجه به شرایط دولتهای شکننده در خاورمیانه به ویژه سوریه،عراق،لیبی و افغانستان همچنان خطر ادامه حیات و ظهور گروههای رادیکال اسلامی جهت تشکیل دولت وجود دارد(میر عبدلی و خراسانی،۱۳۹۷: ۸).

علوس در سخنرانی سال ۲۰۱۳ اینچنین باعث مواضع فرقه گرایی خود را بیان داشت:

مجاهدین شام(سوریه و عراق) ، پلیدی رافضیه و دکترین آنها را از شام پاک می کند (اگر خدا بخواهد) تا سرزمینهای شام از وجود پلیدی مجوسها پاک شود کسانی که بر علیه مذهب خدا می جنگند.شما مردم شام، امروز طلایه دار پرچم اسلام هستید. مجوسها یعنی رافضی ها و نصاری که الغوطه را در اختیار دارند، ادعا می کنند که جلوی پیدایش دولتی نظیر دولت بنی امیه را می گیرند. من با شما شرط می بندم ای رافضی های ناپاک، همانطور که در گذشته، بنی امیه،استخوانهای جمجمه و فرق سرتان را در هم شکست، مردم غوطه و مردم شام فرق سرتان را در آینده درهم می شکنند. ما به حکومت بنی امیه افتخار می کنیم.بنی امیه پایتختش

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

دمشق بود. ما به همه مجاهدان از سراسر جهان خوشامد می گوییم تا حامی و کمک کار ما در نبرد بر علیه دشمنانمان باشند تا زمان تحقیر و نابودی مجوسها(دشمنان خدا) محقق شود ای مومنان،تا زمانی که ما شام را از پلیدی و ناپاکی آنها پاک نکنیم شما به حمایتهای خود از برادرانتان ادامه دهید. این نوع اظهار نظرها و مواضع باعث ایجاد آسیبهای سیاسی جدی شد. غیرسنی ها و بسیاری از شهروندان سوری به ویژه شهرنشینان که برای خدمت و اشتغال به دولت وابسته بودند به شدت از پیامهای شکست اسد ترسیدند و فعالانه از اسد حمایت کردند.فرانسه به صورت هدفمند از ابزار دولت سازی برای تحکیم و تعمیق شکافهای مذهبی و قومی استفاده کرد لذا سوریه به لحاظ داخلی دچار شکاف شد و بازیچه قدرتهای منطقه و بین المللی گشت(Reilly,2018,231-235) .

عربستان سعودی در واکنش به اعتراضات به خصوص اقلیت شیعه در عربستان واکنش سرکوبگرانه نشان داد و معترضین شیعه را به مجازات های شدید محکوم نمود.اعتراضات شیعیان در قطیف سرکوب شد و معترضین به بیش از ۲۰سال حبس محکوم شدند.در جهان بینی وهابیسم،شیعیان عربستان و بحرین نه تنها بی قاعده و خارج از قاعده هستند بلکه آنها مرتبا به عنوان ستون پنجم و اسب استتارشونده برای ایران ترسیم می شوند. در حقیقت قرابت و خویشاوندی بین شیعیان استان شرقی عربستان با بحرین و کویت و عراق وجود دارد. مطالبات شیعیان عربستان ،بحرین و یمن مبنی بر پاسخگو بودن حکومت،تامین حقوق فردی و اجتماعی آنها توسط عربستان به مثابه تهدید امنیتی تلقی شده بلکه به عنوان مطالبات حشوی یا زائد خوانده می شود .(Wehrey, 2013)از پرونده و سابقه تاریخی وهابیت این نکته مشخص و حاصل می شود که بدون کمک بریتانیا نه وهابیسم و نه ال سعود امروز به وجود نمی امدند. وهابیسم یک جنبش بنیادگرای انحرافی و ملهم از بریتانیاست که صبغه و ظاهر اسلامی دارد. آمریکا با دفاع خود از ال سعود مستقیم و غیرمستقیم حامی وهابیسم است. وهابیسم خشن یا خشونت طلب، راست گرا و اصلاح طلب، فوق العاده محافظه کار، خشک و سخت گیر، افراط گرا، ارتجاعی، سِکس گرا و غیرمتساهل است. سابقه خونین تاریخی آن بسیار مستند و روشن است و رهبران وهابی آشکارا از همه سیاستهای خارجی و داخلی غیرمردمی ال سعود منجمله اجازه به آمریکا برای اشغال سرزمینهای اسلامی و عربی و نیز نابودی اعراب و مسلمانان در عراق، افغانستان و سوریه حمایت جدی و همه جانبه می کند(Mohammad Sindi 2016 , 3,).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

۳-راهبرد ائتلاف سازی منطقه ای

بیداری اسلامی نیز دلیل و منبع دیگر نگرانی ال سعود درباره ایران است.عربستان نگران است که ایران از فرصتهای جدید برای مداخله در منطقه و توسعه نفوذ خود استفاده کند. یا اینکه شیعیان را در کشورهای همسایه خود تحریک کند.نخبگان سعودی از گسترش قیامهای عربی ترس دارند و اینکه معتقدند ایران به نفوذ بیشتری دست می یابد. در حالی که عربستان خود را به عنوان رژیم مسئولیت پذیر، اهل همکاری و باثبات ساز در منطقه ترسیم کرده است.برنامه هسته ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی می داند لذا ایران را یک غیر یا خصم متجاوز، خطرناک،منحط و ابدی می داند.دولت سعودی ایران را متهم می کند که مسلمان نیست.اختلافات مذهبی در پندارها و سازه های «خود و دیگری» که توسط عربستان علیه ایران ترسیم شده است بزرگترین مانع در ایجاد روابط مثبت بین دو کشو و ثبات منطقه ای است. ایران از سوی عربستان متهم شده است که منطقه را نیازمند مداخله عامل خارجی ساخته و در برابر بیگانگان آسیب پذیر ساخته است و از این طریق ایران را خائن معرفی می کند.امارات متحده عربی نیز با ایران بر سر جزایر سه گانه مناقشه دارد (De Buitrago, 2015, 86-90).

راهبرد عربستان در عراق با کمک آمریکا جلوگیری از نفوذ ایران و تخریب کامل دولت شیعی تحت نفوذ ایران است. عربستان به حمایت دیپلماتیکی و مالی از چهره ها و مردم سنی طرفدار عربستان و حتی چهره های شیعی طرفدار عربستان پرداخت. ریاض نتوانست از پیروزی ژئوپلیتیکی ایران در عراق جلوگیری کند. وقتی عربستان به اهداف خود نرسید به بی ثبات سازی عراق روی آورد. راهبردی که ویرانی و تخریب را بر مردم عراق تحمیل کرد و عراق پس از صدام را به یک عراق دچار جنگ فرقه ای تبدیل نمود و تا به امروز عربستان سیاست بی ثبات سازی،تفرقه و تجزیه عراق را دنبال می کند. سوریه نیز در همین راستا در مرکز راهبرد آمریکا و عربستان سعودی برای محدود کردن نفوذ روبه رشد ایران در خاورمیانه قرار دارد. ریاض و واشنگتن، دمشق را به عنوان سرزمین و منطقه راهبردی می بینند که تهران را با حزب الله و حماس پیوند می دهد و پلی است که به ایران اجازه می دهد تا قدرت سیاسی خود را در منطقه به نمایش بگذارد. عربستان و آمریکا در حال تنبیه سوریه به خاطر ائتلافش با ایران و محور مقاومت است و به سوریه فشار می اورند تا خود را از تهران دور سازد (salloukh,2013: 4-7). راهبرد آمریکا برای فروپاشی ارتش عراق بعد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

از تهاجم به عراق باز هم سوپاپ اطمینان و منبع اطمینان خاطر برای کشورهای عرب خلیج فارس بود.همانطور که مرعشی و سلامه اشاره می کنند: ارتش جدید عراق به نحوی تجدید سازمان و دگرگون گردید که به عنوان یک نیروی پیاده نظام سبک ایفای نقش کند و قرار بود برای حفظ امنیت داخلی بدون توانمندی لجستیکی قوی و بدون سلاح سنگین ایفای نقش کند لذا به همسایگان عراق یعنی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس این اطمینان را داد که ارتش جدید عراق توان حمله به کشور خارجی در بیرون از مرزهایش را ندارد(Al-Marashi And Salama, 2008, P. 210).

۴-راهبرد ایران هراسی و غیریت سازی مستمر

راهبرد مهم کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی در سوریه و بحرین عبارتند از: تامین مالی و فراهم کردن سلاح برای اپوزیسیون ضد اسد و گروههای جهادی؛ دوم، تشویق و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از اپوزیسیون سیاسی سوریه که در تبعید به سر می برند. در واقع به آنها پناه دادند و حمایت همه جانبه نمودند. سوم، بهره برداری از همکاری روحانیون در تغذیه فکری اهل سنت علیه شیعیان و برانگیختن اهل سنت در برابر آنها. نفوذ گروههای جهادی تکفیری به سرزمین سوریه در اوایل سال ۲۰۱۲ شروع شد. جنگجویان سلفی که به منازعه سوریه پیوستند چیزی که به آنها انگیزه نبرد داد انگیزه های مادی و روایت جهاد بر علیه دولت علوی بود.این دو عامل آنها را برانگیخته تا به نبرد بر علیه دولت اسد بپردازند. به منظور رسیدن به سطح عمیق تری از نفوذ در جامعه سوریه،تعدادی از روحانیون سنی در کشورهای عرب خلیج فارس نظیر یوسف زرقاوی در قطر، عیدی القرنی و عبد العزیز الشیخ ، گفتمان خاصی را به عنوان پوششی برای هدف ژئوپلیتیکی اعراب خلیج فارس یعنی جایگزینی بشارالاسد در منطقه پخش کردند. انها اعلام کردند که اسد یک مرتد و کافر است و جنگ طلبان تکفیری را تشویق کردند تا وی و علوی ها را بکشند(Calculli,:72 2015). همچنین در حالیکه القاعده قصد حمله به امریکا و سایر کشورهای غربی را داشت، داعش خواستار برپایی خلافت خود بود و بسیاری از اقدامات آن نیز نمایانگر این خواسته است. در واقع، تفاوت این دو گروه در تاکتیکهایشان مرتبط با تفاوت میان اولویت دشمنانی است که باید با آنها مبارزه کنند؛ برای القاعده دشمن دور؛ یعنی امریکا، ارجح است و برای

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

داعش دشمنان نزدیک در خاورمیانه اولویت دارند(نبوی و اعتضاد السلطنه،۱۳۹۷: ۱۰).

عراق باثبات و قدرتمند یک نگرانی مهم برای کشورهای سلطنتی خلیج فارس از ابتدای قرن بیستم بوده است.بعد از پیدایش جمهوری عراق در سال۱۹۵۸، و استفاده عراق از ملی گرایی عربی و ایدئولوژی های بعثی که مشروعیت اسلامی و شکل سلطنتی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را به چالش کشاند، جاه طلبی های سلطه طلبانه بغداد بر شبه جزیره عربستان، پندار نفرت حکومتهای سلطنتی عرب خلیج فارس نسبت به تهدید عراق را بیشتر کرد. این نکته شایان یادآوری است که دولت عراق در سال ۱۹۸۱، عنوان خلیج عربی را به جای خلیج فارس برگزید(Marr, 1985:180).در حال که اراده عراق برای الحاق کویت که چندین بار درسالهای ۱۹۳۸،۱۹۶۱ و۱۹۹۰بروز کرد درچارچوب گفتمان پان عربیسم و ملی گرای ایدئولوژیکی صورت گرفت واین عمل حکومت عراق کابوسی برای خاندان حاکم سلطنتی عرب خلیج فارس بود.برخلاف این پیش زمینه، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هرگز به عضویت عراق در این سازمان فکر نکردند به علت اینکه با توجه به منابع فراوان و قدرت نظامی زیاد می توانست نقش هژمونیک در این سازمان خرده منطقه ای ایفا کند و مدیریت این خرده منطقه را بر عهده می گرفت(Legrenzi, 2011 37:).

۵- راهبرد معکوس سازی تهدیدات

در جولای ۲۰۱۲، ملک عبدالله، بندربن سلطان را به عنوان رئیس جدید وزارت اطلاعات کل عربستان منصوب کرد. وی یک شاهزاده طرفدار امریکا و به شدت مخالف ایران بود.بندر حمایت از شورشیان سوری را بر عهده گرفت و از این لحظه ریاض تصمیم گرفت جنگ نیابتی بر علیه ایران را آغاز نماید. بعد از انتخاب بندر به این سمت، دولت سعودی اردن را تحت فشار قرار داد تا از مواضع صلح آمیز خود علیه اسد عقب نشینی کند و موضع گیری صریح و آشکاری را بر ضد اسد داشته باشد. از تابستان ۲۰۱۲ به این سو گزارشهای متعددی وجود داشته است که نشان می دهد آمریکا و عربستان،اسرائیل و اردن به آموزش و تجهیز نظامی و مالی شورشیان سوری می پردازند.(پایگاهی در اردن از سال ۲۰۱۲ انها را اموزش می دهد). بندر بن سلطان راهبرد موسوم به راهبرد جنوب را ارئه داد با هدف کمک به معارضان سوری (مخالفان اسد) بدون اخوان المسلمین و جهادگران از پایگاهی در اردن به منظور ایجاد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

موازنه بر علیه گروههای معارض سوری در شمال سوریه که مورد حمایت قطر و ترکیه هستند. تا به امروز این اقدامات مداخله جویانه آمریکا و عربستان در سوریه بی نتیجه مانده است و به حل مسئله سوریه کمکی نکرده است.سعودیها، آمریکایی ها را به جد مورد انتقاد قرار دادند که چرا از حمله نظامی به دولت اسد خودداری می کنند و این اقدام آمریکایی ها را اشتباه راهبردی می دانند. این درحالی است که امریکا و ناتو به فکر منافع مهم تر و راهبردی تر خود در منطقه هستند و به خوبی می دانند که حمله نظامی به سوریه با واکنش شدید ایران و روسیه مواجه می شود و امنیت اسرائیل با خطر جدی مواجه خواهد شد و ادامه سلطه آنها بر خاورمیانه به علت منازعات ژئوپلیتیکی بسیار سخت تر می شود.لذا محتاطانه عمل می کنند و ترجیح می دهند به حمایت مالی و نظامی از تروریستها و معارضان بپردازند و از طریق جنگ نیابتی در منطقه منافع خود وناتو،اسرائیل را تامین نمایند. عربستان سعودی حتی در اتحادیه عرب به دنبال راه حلی بود که از اقدام نظامی بر علیه سوریه حمایت کند (Karen DeYoung, 2013). سیاستمداران سعودی تاکید می کنند که انها از ارتش ازاد سوریه حمایت می کنند اما گزارشهای مکرری وجود دارد که نشان می دهد جیش الاسلام که توسط فعال سلفی یعنی زهران علوش در سپتامبر ۲۰۱۳ تاسیس شد به عنوان ستون دوم راهبرد عربستان مورد حمایت جدی عربستان است. سعودیها نیز از حامیان و طراحان اصلی جبهه الاسلامی هستند.این اقدامات سعودی ها احتمال موفقیت اندکی دارند و یک جایگزین نظامی برای این جهادگران پیکارجوی سلفی وهابی که قدرت وتوانمندی کافی برای مبارزه با دولت اسد را داشته باشد امکان ظهور اندکی دارد(Yezid Sayigh,2013,).

به طور خاص، سناتور امریکایی، جاسپ ریدن و رئیس شورای روابط خارجی لیسلی اچ جلب[1] بالکانیزه کردن عراق را بر اساس خطوط گسل قومی- مذهبی یعنی کرد، عرب سنی و عرب شیعی برای تامین منافع غرب پیشنهاد داد. با اتخاذ این رویکرد، جاه طلبانه ترین طرح توسط کل رالف پیتر[2] ارائه شد. او پیشنهاد داد که بازسازی کل منطقه را در امتداد خطوط قومی شروع کنند به گونه ای که دوستان موافق آمریکا مدام بر قلمرو آنها افزوده می‌شود و ایران و مخالفان آمریکا از وسعت سرزمینی آنها به شدت کاسته می شود. این طرح در دانشکده دفاعی ناتو برای افسران ارشد نظامی آموزش داده می شود و مورد استفاده آکادمی

1. Leslie H. Gelb
2. Col. Ralph Peters

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

ملی جنگ و محافل برنامه ریزی نظامی است. ریچارد پرل در زمان بوش می گفت، واشنگتن باید و می تواند قبل از اتمام دوره بوش به ایران حمله کند. جاشو میروچک[1] از موسسه اینترپرایز آمریکا با صراحت اعلام کرد که اشتباه نکنید، بوش نیاز دارد قبل از اتمام دوره خود، تجهیزات هسته ای ایران را بمباران کند. در این راستا آمریکا ناو هواپیمابر دیگر خود و نیز سکوهای استقرار موشک ضدبالستیک پاترویت را به خاورمیانه فرستاده است. سیمورهرش معتقد است که پنتاگون اخیرا روابط مخفی با کردها، آذری ها و قبایل بلوچ ایران برقرار کرده است. آنها را تشویق کرده تا به تضعیف ایران در شمال و جنوب شرق ایران بپردازند و این راهبرد با رویکرد بالکانیزه کردن منطقه دقیقا همخوانی دارد. اما واقعیت این است وقتی این طرح ها اجرا شوند کل شرایط و محیط منطقه به شدت از وضعیت خیلی بد به بدترین شرایط تغییر خواهد کرد و وضع به مراتب وخیم تر می شود(Jürgen,2011:3-4).

مشکلات متعددی برای اجرای طرح تقسیم در رابطه با سوریه و عراق وجود دارد: اهم این مشکلات عبارتند از:

–طرح تقسیم نمی تواند تضمین کننده توقف کامل خصومتها باشد و نه از بازگشت مجدد منازعه و درگیرها جلوگیری می کند.در حقیقت، محققان مخالف طرح تقسیم معتقدند که جنگ سبب برانگیخته شدن تجزیه و تقسیم می شود و تجزیه کشورها هم باعث جنگ می شود بنابر این طرح تقسیم راه حل مناسبی نیست چون تاثیر پارادوکسیکال در تداوم منازعه دارد.

–جابجایی مردم، موقعیت مرزها، وجود مکان های مقدس و سرزمینهای باستانی برای برخی از گروهها و جوامع یکی از مهم ترین موانع در غلبه بر بحران سوریه است. برای نمونه، در ناحیه ساحلی که برای علوی ها در نظر گرفته شده است، مسیحیان و سنی ها تا ۵۰درصد جمعیت را تشکیل می دهد

– ایجاد نواحی محصور دفاعی می تواند برای آزار اقلیت های دیگر مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، شورش و تروریسم در این نوع سناریو رشد و توشعه پیدا می کند

– منافع قدرتهای منطقه ای و بین المللی به صورت طرح ها و برنامه های آنها برای سوریه پس از اسد بروز می کند. است

1. Joshua Muravchik

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

– طرح تقسیم و تجزیه، رقابت بر سر قدرت و منافع را تشویق می کند و قطبی شدن جامعه و تضاد سبب شیوع منازعات برای کنترل این منابع می شود. گروههای مشخص،خانواده ها و قبیله ها ممکن است دوباره به منظور رسیدن به تکه بهتر و بیشتری از کیک سرزمین سوریه و عراق وارد نزاع شوند.

–با توجه به عوامل اقتصادی، طرح تقسیم و تجزیه سوریه سبب تولید نابرابری بیشتر می شود چون منطقه شمال شرق سوریه بخشی از کشور است که بیشترین و بزرگترین ذخایر نفت خام سوریه و بیشترین تولید غلات و محصولات پنبه قرار دارد. از این رو، این منطقه طبق طرح تقسیم، عمدتا نصیب کردها می شود و مالک عوامل و منابع مهم اقتصادی می‌شوند.

–تکثیر و گسترش شورشهای فراملی پیرامون همه مرزها منجر به چالشهای جدیدی برای دولت های کوچک در سوریه و کشورهای همسایه آنها می شود.

–تجزیه یا تقسیم سرزمینی باعث تشویق تلاشهای تجزیه طلبانه در کشورهای همسایه خصوصا لبنان،ترکیه و ایران می شود. و این می تواند منجر به بی ثباتی ، بحران،منازعات و جنگهای بیشتر در منطقه بشود.(Barroso Cortés And Merheb-Ghanem,2018,142-144).

از نظر حامیان طرح تقسیم یا سناریوی تقسیم سوریه و عراق، تقسیم در این کشور، از این مزیتها برخوردار است:

–راه حل تقسیم می تواند آخرین راه حل یا چاره برای نجات سوریه باشد.این طرح پتانسیل پایان دادن به جنگ سوریه و تخریب گری آن ،یکبار و برای همیشه را دارد.

–مزایای تقسیم می تواند بیشتر از هزینه های آن باشد. طرح تجزیه یا تقسیم می تواند به یک معضل یا معمای امنیتی قومی پایان دهد. این موفقیت می تواند اولین قدم در ایجاد ثبات در سوریه باشد.

–اگر یکی از تقاضاهای اصلی شورشیان و معترضان خلع اسد است، طرح تقسیم یک چاره و درمان برای این معماست.چون تقسیم با دادن بخش جامعه علوی سرزمین سوریه به اسد این معضل را حل می‌کند!!!

–به واسطه توزیع جمعیتی اخیر، طرح تقسیم سریعتر و موثر تر کار می کند.تقسیم دوفاکتو در اولین فاز منجر به فرایند تقسیم دوژور می شود جایی که شناسایی بین المللی حکومتهای جدید حیاتی می‌باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

–در سطح ایدئولوژیکی، بر پتانسیل طرح تقسیم برای کاهش تاثیر فرقه گرایی تاکید می شود .تغییر بازی در رابطه با نخبگان و عامل مذهب می تواند در جهت ایجاد و پیداش قرارداد اجتماعی جدید بین نخبگان و شهروندان عمل نماید و مفید واقع شود. طرح تقسیم تغیر بازی اکثریت – اقلیت را باعث می شود.به واسطه تقسیم، اقلیتهای موجود در سرزمین مخصوص خود به اکثریت تبدیل می شوند(Barroso Cortés and Merheb-Ghanem,2018,144)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

بحث و نتیجه گیری

شکل گیری وهابیسم و داعش راهبرد امنیتی و مشترک عربستان و غرب برای مهار قدرتهای چالشگر و مستقل در منطقه خاورمیانه و کل جهان اسلام می باشد.درحقیقت این دو خانواده، خاندان آل سعود و خاندان وهابی نمی توانند جدا از هم ادامه حیات دهند چون آنها از طریق خون و ازدواج از سال ۱۷۴۴ به هم پیوند خورده اند. پیوند صمیمانه و خانوادگی وهابیسم با آل سعود و حمایت از آل سعود که به شدت و به طرز گسترده ای معلوم شده است که یکی از بی رحم ترین، فاسد ترین، غیردموکراتیک ترین و یکی از طبقات حاکم فئودالی در کل جهان است سبب شده تا این رژیم با ادعای جدی و متکبرانه، خود را نماینده بهترین شکل از اسلام معرفی کند و مسلمانان و اسلام را به سخره بگیرد. امروزه بسیاری از مسلمانان و اعراب فرهیخته احساس می کنند که وهابیسم باعث بدنامی اسلام است و ارتجاعی را به جهان معرفی می کند که جهان اسلام و اعراب را از پیشرفت باز می دارد. وهابیسم باعث ایجاد تهدید و ناامنی بیشتر و به خطرافتادن امنیت ملی همه دول اسلامی شده و زمینه نفوذ و بهانه مداخله غرب در منطقه را فراهم کرده است و از این طریق باعث عقب ماندگی بیشتر جهان اسلام و اعراب می شود. قطعا بسیاری از مسلمانان و محققان سنی در طی ۲۵۰ سال گذشته چه محافظه کار و چه لیبرال، در سرتاسر جهان اسلام از مراکش تا اندونزی همانند دیگر فرق اسلامی نظیر شیعه و صوفی همه، وهابیسم را رد کرده اند چون تولد و پیدایش آن را برای ارائه چهره زشت از اسلام و بدنام کردن اسلام می دانند(Mohammad Sindi 2016 , 3,).

بهار عربی یا بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ باعث ایجاد شکاف بیشتر در روابط ایران و عربستان شد و عربستان در واکنش به این اعتراضات مردمی،به بی ثبات سازی و ائتلاف سازی منطقه ای و بین المللی برای مهار اعراضات مردمی روی آورد. عربستان سعودی،بیداری اسلامی را یک روند مختل کننده می دانست که می تواند باعث عدم وحدت و جدایی هر چه بیشتر جهان عرب شود و همچنین فرصت مناسب برای گسترش نفوذ ایران را در منطقه فراهم می کند.تهران معتقد بود بیداری اسلامی تا حدود زیادی برگرفته و متاثر از انقلاب اسلامی است. و شرایط منطقه ای هم اکنون برای ایجاد یک خاورمیانه اسلامی جدید فراهم شده است که در آن قدرت از آمریکا و متحدان عرب آن از جمله عربستان، به مردم و گروه های مردمی منتقل می شود و نقش و حضور آمریکا را در منطقه کم رنگ خواهند کرد.عربستان و آمریکا

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

و سایر متحدان منطقه ای آنها مجبورند برای حفظ و بقای خود در منطقه، نفوذ را بخرند اما ایران اصول ضد آمریکایی انقلاب اسلامی ایران را مورد توجه قرار داد که سرنوشت منطقه را شکل خواهد داد.از این رو عربستان سعودی تلاش کرد با همه امکانات به مقابله با انقلاب های مردمی منطقه و نفوذ ایران بپردازد.راهبرد دیگر عربستان نیز برای ایجاد وحدت اعراب و عضویت اردن و یمن در شورای همکاری خلیج فارس نیز با شکست مواجه شد. و این کشورها مخالف این بودند که عربستان نقش قیمومیت و سرپرستی را در چنین اتحادیه ای ایفا کند.عربستان همچنین به سازمان های محلی سعودی اجازه داد تا از عراقی ها در مواجهه با تحریم های بین المللی در زمان صدام حسین حمایت کنند. بسیاری از این گروههای سلفی با رژیم بعث و صدام حسین احساس همدردی و حمایت کردند و پس از سقوط صدام حسین بعثی ها و داعش با کمک عربستان یک ائتلاف را برای ناکارامد کردن دولت عراق و جلوگیری از ایجاد یک عراق باثبات و مستقل بکار گرفتند.افراط گرایان سعودی به طور مکرر تسلیحات،آموزهاش نظامی و گذرنامه برای نیروهای نظامی سعودی جهت نبرد در عراق فراهم کردند.عربستان سعودی یک قدرت منطقه ای طرفدار وضعیت موجود است ولی ایران به دنبال تغییرات انقلابی در تمام خلیج فارس و خاورمیانه است و ایالات متحده را خطرناک ترین دشمن ملل منطقه می داند. اعتراضات ضد استبدادی مردم عرب در سال ۲۰۱۱، دغدغه های جدیدی برای عربستان ایجاد کرد و این رویدادها را در درون چارچوب اولویتهای منطقه ای خود قرار دادند.عربستان سعودی در تقلای خود برای نفوذ در خلیج فارس و خاورمیانه، راهبردهای سلفی گری،تجزیه کشورهای اسلامی و معکوس سازی تهدیدات و اعتراضات مردمی را در پیش گرفت.سطح بالای نفوذ سیاسی با دولت های محلی را حفظ کرد و سعی کرد پیوندهای قوی با امیرنشینها و شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس برقرار کند.اساسا عربستان از شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک راهبرد برای پیشبرد منافع مشترکشان در مواجه با آشوبهای منطقه ای و داخلی استفاده کرد و یک رویکرد محافظه کارانه نسبت به امنیت منطقه ای اتخاذ کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

منابع فارسی

-رجبی،محمد(۱۳۹۷)جایگاه اقلیم کردستان عراق در سیاست های منطقه ای ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*،سال نهم،شماره دوم، تابستان،صص۲۷-۵۲.

-عظیمی، رقیه السادات، ۱۳۷۴، *عربستان سعودی* (کتاب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.

-مظاهری، محمد مهدی(۱۳۹۷) نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*،سال نهم،شماره اول، بهار،صص۸۷-۱۰۹.

-میر عبدلی، محمد، خراسانی،رضا(۱۳۹۷)آینده پژوهی جریانهای سلفی-تکفیری در دوره پساداعش،*فصل نامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*،سال نهم،شماره اول،بهار،صص۲۹-۵۷.

-نبوی،عبدالامیر،اعتضاد السلطنه،نوژن(۱۳۹۸)داعش و مدرنیسم ارتجاعی؛ بررسی اندیشه و عملکرد نسل جدید اسلام گرایی رادیکال،*فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*،سال نهم ،شماره دوم،تابستان،صص۷۹-۱۰۵.

-ویسی، هادی(۱۳۹۸) رقابت های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی و ایران و ضرورت گذار از ژئوپلیتیک ایدئولوژیک به ژئواکونومی در منطقه خلیج فارس،*فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم،شماره اول،بهار، صص۲۱۹-۲۴۰.

منابع انگلیسی

-Abdel Hameed1, Mira A. And Hussein Mostafa, Mohamed,2018, *Turkish Foreign Policy Towards Syria Since 2002*,Asian Social Science; Vol. 14, No. 2; 2018 ISSN 1911-2017 E-ISSN 1911-2025,Published By Canadian Center Of Science And Education,Pp:4-6

-Al-Marashi, Ibrahim And Sammy Salama. 2008. *Iraq's Armed Forces*: An Analytical History. New York: Routledge

-Al-Rasheed, M. 2014. *Saudi Arabia's Ideological Battle With Terrorism*. Al-Monitor. Barth, F. 2007. Overview: Sixty Years In Anthropology. Annual Review Of Anthropology,36 (1): 1–16.

-Amos, Z., Landau, E. And Malz, T. 2004. *Building Regional Security In The Middle East*: International, Regional And Domestic Influence. New York; London: Frank Cass Publisher

-Bilgin ,Pinar,2015, *Region, Security, Regional Security*: "Whose Middle East?" Revisited University Of Warwick, UK. Palgrave Macmillan Imprint.

-Bilgin, P. 2012a. *Security In The Arab World And Turkey*: Differently Different. In: Thinking International Relations Differently, Ed. A. Tickner And D. Blaney. London: Routledge, 27–47

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

-Blog ,George Washington, Madsen, Wayne , 2016, . *Isis Is Usthe Shocking Truthbehind The Army Of Terror* ,Progressivepress.Com, San Diego, Calif. - February 29, 2016. Blog/Markaz/2015/12/21/The-Six-Faces-Of-The-Islamic-Stat

-Calculli,Marina2015, Sub-Regions And Security In The Arab Middle East:" Hierarchical Interdependence" In Gulf-Levant Relations. University Of Warwick, UK

-De Buitrago ,Sybille Reinke,2015, *Self–Other Constructions, Difference And Threat*: US And Arab"Othering" Of Iran. University Of Warwick, UK. Palgrave Macmillan Imprint.

-Gause, F. G. I. 2014. *Beyond Sectarianism*: The New Middle East Cold War. Doha: Brookings Doha Center.

-Harris .William,2018,*Quicksilver War Syria, Iraq And The Spiral Of Conflict*, Oxford University Press

-Jürgen, Wagner,2011,*USA And Middle East – The Real Agenda Of The American Energy Policy*: The Balkanization Of The Region And The Coming War With Iran,Pp:2-5

Kepel,2004,A,Frontline,Bbs,*Documentary*,Http://Www.Pbs.Org/Wbgh/Pages/Frontline/Shows/Front/Interviews/Kepel.Html, Accessed April 10, 2014

-Korany, Bahgat (Ed.) 2011. *The Changing Middle East*: A New Look At Regional Dynamics. A Tahrir Studies Edition. Cairo, Egypt; New York: American University In Cairo Press.

-Karen DeYoung,(2013),"Kerry: Saudis Support the Strike", *Washington Post*, 9 September 2013;.

-Legrenzi, Matteo. 2011. *Gcc And The International Relations Of The Gulf*: Diplomacy, Security And Economic Coordination In A Changing Middle East. London: Ib Tauris

-Leonard ,John,2016,*Ambassadors Of Terror*, Isis Is Usthe Shocking Truthbehind The Army Of Terror, Progressivepress.Com, San Diego, Calif. - February 29, 2016.

Marr, Phebe. 1985. *The Modern History Of Iraq*. London: Longman-

-Monier, E. 2014a. *The Arabness Of Middle East Regionalism*: The Arab Spring And

-Monier, Elizabeth,2015, *Introduction: Narratives Of(In)Security And (In)Stability In The Middle East*, University Of Warwick, Uk. Palgrave Macmillan Imprint -Competition For Discursive Hegemony Between Egypt, Iran And Turkey. Journal Of Contemporary Politics 20 (4): 421–434

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

-Mohammad Sindi, Abdullah, (2016), *A Word On Wahhabism* , Http://Www.Liveleak. Com.-

-Radwan,K,(2011),*Saudi Wahhabism*, Http://Www.Intifada-Palestine.Com/2011/11/ Saudi-Wahhabism-And-Conspiracies.

-Reilly ,James A. ,2018,*Fragile Nation, Shattered Landthe*, Modern History Of Syria, I.B.Tauris & Co. Ltd London • New York

-Richard Norton ,Augustus ,2015,*The Geopolitics Of The Sunni–Shia Rift*. University Of Warwick, Uk. Palgrave Macmillan Imprint.

-Salloukh, B. F. 2013. *The Arab Uprisings And The Geopolitics Of The Middle East*. International Spectator: Spectator: Italian Journal Of International Affairs 48 (2):32–46

-Wehrey, F. 2013. *Sectarian Politics In The Gulf: From The Iraq War To The Arab Uprisings*. New York: Columbia University Press

-Yezid Sayigh,(2013), *Unifying Syria's Rebels: Saudi Arabia Joins The Fray* (Carnegie Middle East Center, 28 October 2013), Http://Carnegie-Mec.Org/2013/10/28/Unifying-Syria-S-Rebels-Saudi-Arabia-Joins-Fray/Greh (Accessed 22 January

DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۱۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

التیامی نیا، رضا؛ شریعتی، مجتبی (۱۳۹۸)، «چالش‌های تهدید: راهبرد معکوس‌سازی تهدیدات توسط عربستان در خاورمیانه»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۳، پاییز ۹۸، صص ۳۲۰-۲۹۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]